یادداشت روز

اینجا خط مقدم است

تا کنون مطالب و اظهار نظرهای زیـــاد و متنوعی درباره بایدها و نبایدهای دولت جدید از ســـوی گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف ابراز شده است. مواضعی که هر کدام از ظن خود سعی دارند، بر تصمیمات و عملکـــرد رئیس‌جمهور و دولت جدید اثرگذاشـــته و وضعیت را به سوی شرایط مطلوب خود سوق دهند. دولت آقای رئیسی به درستی هم و غم خود را حل مشکلات اقتصادی مردم و کشور اعلام کرده است و توصیه‌ها و اظهارنظرهای بیرونی نیز غالباً ناظر به همین مسئله است. با این حال نگارنده به جد معتقد است، رسیدگی به وضعیت رسانه‌ای کشور اهمیتی دوچندان داشته و غفلت از این مسئله، می‌تواند سایر تلاش‌ها و سیاست‌ها را نیز دچار ناکامی کند.

اگرچه انتظار ســـر و سامان دادن به صفر تا صد وضعیت نه چندان مناسب و قابل قبول رسانه‌ای کشـــور از دولت، منصفانه و منطبق بر واقعیت نیســـت اما دولت در این زمینه نقشی مهم و اساسی دارد که عزم و اراده جدی آن می‌تواند سایر بازیگران و نقش‌آفرینان این عرصه را نیز به فکر و اقدام وادارد. درباره اهمیت و نقش رسانه‌ها در وضعیت کنونی کشور، نقاط ضعف و دلایل آن و چگونگی بهبود شرایط، تامل در نکات زیر شاید خالی از فایده نباشد؛

۱- قبل از هر چیز تصمیم سازان و تصمیم گیران و خود اهالی رسانه باید تصوری درست از جایگاه و کارکرد رسانه داشته باشند. آیا رسانه صرفاً یک ابزار و موضوع فرعی است؟ ابزاری در کنار ده‌ها و بلکه صدها ابزار دیگر برای اثرگذاری بر جامعه(اعم از عوام و نخبگان)، اطلاع‌رسانی و امثال اینها؟ یا موضوع فراتر از اینهاست؟ پاسخ به همین سؤال بنیادین، فرصتی مجزا و بسیار مبسوط می‌طلبد. برای گشودن دریچه‌ای به ماجرا کافی است به یک سند امنیتی رجوع کنید.

بهمن ماه سال ۱۳۹۵«اسکات مودل» مامور سابق سازمان سیا، یک دســـتور کار عملیاتی برای مواجهه و مهار ایران به کنگره آمریکا ارائه کرد. این سند را می‌توان یکی از دقیق‌ترین و قوی‌ترین اسناد آشکار منتشره درباره راهبرد مقابله با ایران دانست. مودل در این سند هفت راهکار و پیشنهاد عملیاتی ارائه می‌کند. نکته جالب توجه اینجاست که ۴ مورد آن کاملاً مبتنی بر عملیات تبلیغاتی و رســـانه‌ای است. نگاهی به عملکرد آمریکایی‌ها نشان می‌دهد، بطور عملی محتوای این سند و پیشنهادات این مامور سیا علیه کشورمان در حال اجراست. این تنها یکی از شـــواهد بسیاری است که بر اهمیت حیاتی رسانه دلالت دارد. متاســـفانه به نظر می‌رسد بخش‌هایی از حاکمیت و بازیگران آن هنوز درک درستی از این میدان نداشته و رسانه را چیزی در حد بلندگوی پخش مواضع و اظهارات خود می‌بینند.

۲- رسانه بطور کلی از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست سخت‌افزاری و فیزیکی است و بخش دوم که به سخت‌افزار و قالب جان می‌بخشد، عناصر رسانه‌ای و در قلب آن خبرنگاران هستند. ما در بخش سخت‌افزاری، فناوری، قالبی و امثالهم بدون شک مشکلات و نقایص متعدد و قابل توجهی داریم اما مشکل اصلی و حیاتی‌تر در بخش نیروی انسانی است. واقعیت تلخی است اما باید اعتراف کرد دست رسانه‌های ما از نیروی انسانی مجرب و حرفه ای، تا حد زیادی خالی است.

چرایی این مشکل ابعاد مختلفی دارد. یک دلیل اصلی و عمده به همان نکته نخســـت بازمی‌گردد؛ عدم درک درست و عمیق از جایگاه رســـانه. این موضوع باعث می‌شود سقف رسانه در ایران کوتاه باشد و افراد از یک جایی به بعد احســـاس کنند که برای اثرگذاری و رسیدن به اهداف خود، بهتر است و یا باید سنگر رسانه را ترک کنند. برخورد اغلب اهالی قدرت با رسانه و اهالی آن که عمدتاً آن را به چشم روابط عمومی می‌بینند، در ایجاد این تنگنا موثر است.

نکته مهم دیگری که وجود دارد، مشکلات و شرایط سخت اقتصادی رسانه‌ها و به دنبال آن سخت‌تر اهالی رسانه است. اغلب اهالی رسانه بـــا حقوق‌هایی اندک گذران زندگی می‌کنند کـــه با اهمیت و جایگاه شغلی آنان کمترین تناسبی ندارد. این موضوع باعث شده تا بسیاری از خبرنگاران به شـــغل‌های جانبـــی روی آورده و به دلیل حجم کار و مشغله بســـیار، تمرکز و کیفیت کار افت کند. در این میان عده‌ای هم که ســـال هاست کار رسانه‌ای کرده و چم و خم کار را فرا گرفته و بقول معروف وقت ثمردهی آنهاست، با پیشنهادهای کاری از سوی ارگان‌ها و سازمان‌های غیررسانه‌ای -در قالب‌های مختلف مشاور، مدیر روابط عمومی و...- روبرو شده و به دلایل پیش گفته شده، عملاً از سنگر رسانه خداحافظی می‌کنند.

۳- بروز و ظهور و گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، اثرات و تبعات متفاوت و گاه متضادی را برای فضای رسانه‌ای به همراه داشت. از نکات مثبت قضیه آن بود که سرعت انتشار اطلاعات به‌شکلی انفجاری بالا رفت. گســـتره مخاطبان بسیار بیشتر و دسترسی به آنها سهل‌تر شـــد. نکته مثبت دیگر آن بود که مخاطبین از مصرف‌کننده صرف به کنش‌گر رسانه‌ای تبدیل شدند. رسانه‌ها توانستند به سرعت بازخورد کار خود را از ســـوی مخاطبین دریافت کنند و نوعی تعامل دو طرفه میان رســـانه و مخاطب برقرار شد. در کنار این اثرات مثبت، ماجرا سویه‌ای تاریک نیز داشت. فضای مجازی و بخصوص شبکه‌های اجتماعی، ذائقه‌ها را تغییر دادند. دیگر کمتر کسی حال و حوصله خواندن گزارشی مبسوط و مفصل را دارد. قالب مطالب ساندویچی و بزن در رویی شد. مطالب زرد و فیک گسترش بیشتری پیدا کردند. تبعات منفی این فضا البته بیش از اینهاست اما شاید بدتر از همه آن بود که بسیاری از افراد نسبت به اطلاعات عمیق و واقعی احساس بی‌نیازی کرده و حتی دچار توهم همه چیزدانی و تحلیلگر بودن، کردند. البته این مسائل و آفات مختص ایران نبوده و در سطوح مختلف تقریباً در همه جای دنیا قابل مشاهده است. کشورهای عاقل‌تر با وضع قوانین دقیق و عمیق، سعی کرده‌اند تبعات منفی وضعیت جدید را تا حد امکان کنترل کنند. مسئله‌ای که البته هنوز در کشور ما حل نشده و عده‌ای منفعت خود را در بی‌در و پیکر بودن این فضا می‌بینند.

۴- یکی از معضلات رسانه‌ای کشور، ابهام در نسبت فعالیت رسانه‌ای با منافع ملی و ارزش‌های عمومی است. کم نیستند رسانه‌هایی که بطور مستقیم و یا غیرمســـتقیم از بودجه و امکانات عمومی کشور تغذیه می‌کنند اما آب به آسیاب دشمن ریخته و خروجی آنها عملاً بسامد همان عملیات رسانه‌ای و تبلیغاتی دشمن است. مرزبندی ارتباطی و محتوایی رسانه‌های داخلی با رسانه‌های متخاصم یک اصل بدیهی است. اما این اصل بدیهی نه تنها مثال‌های نقض بســـیاری دارد بلکه گاهی احساس نوعی هماهنگی و همکاری در این زمینه می‌شود. اینکه برخی رسانه‌ها از یک سیستم کمک مالی -در قالب یارانه، آگهی‌های تبلیغاتی و...- دریافت کنند و خط مشی محتوایی آنها علیه خود آن سیستم باشد، تناقضی عجیب و غریب است که به احتمال بسیار زیاد فقط در ایران دیده می‌شود! ساده‌لوحی است اگر گمان کنیم، آن جریانی که بیش از دو دهه پیش برخی مطبوعات را تبدیل به پایگاه دشـــمن کرده بودند، صحنه را ترک کرده و آرام گرفته‌اند. تحریف‌گران بشدت مشغول کارند!

۵- رهبر معظم انقلاب اسلامی اخیراً فرمودند؛ «وقتی افکار عمومی یـــک ملّت در اختیار بیگانه قرار گرفت، حرکت آن ملّت هم طبعاً طبق میل آن بیگانه پیش خواهد رفت. کار تبلیغاتی کار مهمّی است؛ ما در این زمینه ضعف داریم. حالا بگذریم از آن آدم‌های غافلی که از رسانه‌های داخلی هم به نفع دشمن استفاده می‌کنند -که حالا آن محلّ بحث ما نیست- لکن [درباره] آن کسانی هم که قصد خیر در این زمینه دارند، ما کم‌کاری داریم. در زمینه کار تبلیغاتی و حرکت تبلیغاتی درســـت و تمهیدات رسانه‌ای باید قوی‌تر و هوشمندانه‌تر عمل بکنیم.»

واقعیت آن اســـت که ملت در محاصره تبلیغاتی-رسانه‌ای دشمن و بی‌وقفه، تحت شدیدترین بمباران تبلیغاتی قرار دارد. شکست این محاصره، ماموریت رســـانه‌های داخلی و رزمندگان آن است. درباره راهکارهای قوی‌تر و هوشمندانه‌تر عمل کردن در عرصه این نبرد باید بیش از این‌ها فکر کرد و نوشت. بدون شک یکی از این راهکارها ارتباط و توجه جدی‌تر نخبگان فکری جامعه با رسانه هاست. برای مثال، میزان حضـــور و فعالیت روحانیون و طلاب فاضل و اهل فکر و قلم، با میزان و حجم حملات و تهاجم دشمن و شبهات و مسائل جامعه چقدر مطابقت دارد؟!

در پایان ذکر این نکته ضروری اســـت که آنچه گفته شد به معنای نادیده گرفتن زحمات شبانه‌روزی رسانه‌ها و اهالی آن، که دل در گرو این انقلاب و آب و خاک و مردمش دارند نیست. آنان که نشان داده‌اند در راه خود حتی از بذل جان نیز دریغ ندارند.

فردا روز خبرنگار است. روز آنهایی که در خط مقدم پیچیده‌ترین و سخت‌ترین نبرد این کشور با دشمنانش هستند. هر روز، روز شماست. خسته نباشید و خداقوت.

محمد صرفی

اعتراف وندی شرمن به سیاست «تحریم حداکثری» دولت بایدن علیه ایران

قائم‌مقـــام وزیر امور خارجه آمریکا در جلسه‌ای در مجلس سنا گفت: من معتقدم دولت بایدن، تحریم‌های حداکثری [علیه ایران] داشته است.

تد کروز، نماینده جمهوری‌خواه مجلس ســـنای آمریـــکا فیلمی را از مباحثه خود در روز سه‌شنبه با وندی شـــرمن، قائم‌مقام وزیر امور خارجه آمریـــکا در صفحه رســـمی خود در اینستاگرام منتشر کرده است.

به گزارش فـــارس، کروز خطاب به وندی شرمن می‌گوید، جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در ۶ ماه گذشته در برابر ایران تنها ضعف و مماشات! نشـــان داده که این رویکـــرد باعث افزایش درگیری‌ها و تشدید تنش‌ها می‌شود.

در آن جلســـه وندی شـــرمن می‌گویـــد: ســـناتور، همان‌طـــور که خاطرنشان کردید شما و من به طور مداوم درباره بهتریـــن روش‌ها برای حصول اطمینان از عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، توقف حمایتش از تروریســـم، توقف رفتارهای مخربش و توقـــف تهدیدآفرینی‌هایـــش علیه متحـــدان و شـــریکانمان صحبـــت می‌کنیم.

شـــرمن در ادامـــه اظهاراتی را کـــه پیش از این هم توســـط مقام‌ها و نماینده‌هـــای کنگره مطرح شـــده یادآوری کرد و گفت که او (به عنوان یک سیاستمدار حزب دموکرات) با تد کروز (به عنوان یک سیاستمدار حزب جمهوری‌خواه) اختلافی بر سر اهداف اصلی در قبال ایران ندارند و اختلافات تنها بر سر روش‌های دستیابی به آن اهداف است.

شرمن گفت: هر دوی ما اهداف یکسانی داریم که عبارت است از اینکه اطمینان حاصل کنیـــم مردممان و مردم متحدان و شـــریکانمان ایمن باشـــند و همچنین اطمینان حاصل کنیم که ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نمی‌کند و رفتارهای مخربش را متوقف می‌کند!

وی در ادامـــه گفت: بنابراین، ما درخصوص اهداف توافق داریم اما بر سر روش‌های رسیدن به آن اهداف، اختلاف داریم. من با بعضی از مسائلی که شما مطرح کردید مخالف هستم. من معتقدم دولت بایدن، تحریم‌های حداکثری [علیه ایران] داشته است.

شرمن گفت: ما به صورت مستمر نهادهای بیشتری را بر اساس اطلاعات مســـتندی که از آن نهادها در دست داریـــم، به فهرســـت تحریم‌ها اضافه کرده‌ایم.

تد کروز که از سیاستمداران حامی رویکرد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ســـابق آمریکا در قبال ایران است در ادامه از وندی شـــرمن پرسید آیا به نظر او، راهبـــرد دولت بایدن کارآمد بوده یا خیر.

کروز پرســـید: آیا راهبرد دولت شـــما جواب داده اســـت؟ الان آنها حملاتشـــان را متوقـــف کرده‌اند یا اینکه آن را تشدید کرده‌اند؟

شـــرمن گفت: سناتور، هیچ چیز مانع حملات آنها نشـــده. ترور قاسم سلیمانی هم نتوانســـت باعث ایجاد بازدارندگی علیه حملات ایران شود.

با توجه به اینکه این جلسه سنا برای بررسی ابطال اختیارات جنگی رئیس‌جمهور آمریکا برگزار می‌شد تد کروز در ادامه از وندی شرمن پرسید آیا جو بایدن به دلیل نداشتن مجوز اقدام نظامی از پاسخ دادن به حملات انجام شـــده علیه نیروهای آمریکایی در عراق خودداری کرده است یا خیر.

شـــرمن یادآوری کـــرد که جو بایدن دو بار به گروه‌های مقاومت در عراق حمله کرده است.

کمیته روابط خارجی مجلس سنا بعد از این جلسه با لغو ۲ قانونی که به رئیس‌جمهور آمریکا اختیار آغاز جنگ بدون مشـــورت با کنگره را می‌دهد موافقت کرد. نمایندگان مجلس سنای آمریکا گفته‌اند با این رأی می‌خواهند مرجعیت کنگره برای اعلان جنگ را که طی سال‌های گذشته از دست رفته بود بازیابی کنند.

نامه ایران به رئیس شورای امنیت؛ هشدار به رژیم صهیونیستی

معـــاون نمایندگی دائم ایران در ســـازمان ملـــل در نامه‌ای به رئیس‌شـــورای امنیت بااشاره به اظهارات تحریک‌آمیز اخیر مقامات رژیم صهیونیســـتی و تهدید به اســـتفاده از زور، بـــه این رژیم هشدار داد که منتظر عواقب تمام ماجراجویی‌ها و محاسبات نادرست احتمالی خود باشد.

زهرا ارشـــادی، ســـفیر و معاون نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در پی اتهامات ساختگی اخیر علیه کشـــورمان به رئیس‌شورای امنیت نامه نوشت.

ســـعید خطیب‌زاده، ســـخنگوی وزارت امور خارجه اخیرا بروز حوادث امنیتی پی‌درپی در خلیج‌فارس و دریای عمان را مشـــکوک خواند و نسبت به هرگونه فضاســـازی کاذب در راستای اغراض سیاسی هشدار داد.

در نامه معاون نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل آمده است: جناب آقای رئیس، من این نامه را در ارتباط با نامه مـــورخ ســـوم اوت ۲۰۲۱ نمایندگان لیبریـــا، رومانی و انگلیس برای شـــما می‌نویسم. نویسندگان آن نامه، بدون ارائه هیچ‌گونه شـــواهدی برای اثبات ادعاهای خود، با توسل به برخی عبارات نظیر «بسیار محتمل»، «ارزیابی‌های اولیه» و «یک یا چند فروند پهپاد» که ناشی از عدم اطمینان است و همچنین اســـتفاده از اصطلاحات مبهمی مانند «شـــرکای بین‌المللی» تلاش کرده‌اند به صورت دلخواهانه جمهوری اسلامی ایـــران را به حمله به کشـــتی مرســـر استریت متهم کنند.

نماینده ایران در این نامه می‌افزاید: این ادعای بی‌اســـاس - که برای اولین بـــار بلافاصله پس از حمله و با مقاصد سیاسی آشـــکار، توسط رژیم اسرائیل مطرح شـــد - از نظر واقعیات موجود، نادرســـت و از نظر سیاسی و اخلاقی غیرمســـئولانه اســـت و بر این اساس قاطعانه رد می‌شود.

در نامه مذکور اعلام شـــده است: جمهوری اســـلامی ایران با داشـــتن ســـواحل طولانی و تأسیسات بندری متعـــدد در دریای خزر، خلیج‌فارس و دریـــای عمان و همچنین ناوگان قوی کشتیرانی، هم دارای نفع چشمگیر در امنیت دریایی و آزادی ناوبری می‌باشد و هـــم اهمیت زیادی بـــرای آنها قائل است. طبق این هدف و سیاست دیرین، و با تعهد کامل به تعهدات بین‌المللی مربوطه، ایران به طور قابل توجهی به تقویت امنیت دریایی و آزادی ناوبری نیز کمک کرده اســـت. استقرار نیروی دریایـــی ایران طی بیـــش از یک دهه در اقیانوس هنـــد و مناطق مجاور در حمایت از تلاش‌هـــای بین‌المللی در مبارزه با دزدی دریایی در آن مناطق، بارها توســـط دبیرکل ســـازمان ملل، در گزارشـــات ذیربط وی، مورد اذعان واقع شـــده و توسط شـــورای امنیت، در قطعنامه‌هـــای متعدد آن، نیز مورد تمجید قرار گرفته است.

در این نامه همچنین آمده است: ضمن یادآوری نقض نظام‌مند قوانین بین‌المللی توسط رژیم اسرائیل، از جمله تهدیدهای قابل توجه آن علیه امنیت دریانوردی و آزادی ناوبری و همچنین سابقه طولانی آن در انجام عملیات‌های پیچیـــده دروغین در دریاهـــای آزاد و آبراه‌های مهم بین‌المللی، شـــورای امنیت باید در مورد ماجراجویی امنیتی و نظامی این رژیم در منطقه حساسی چون خاورمیانه کاملاً هوشیار بوده و آن را به خاطر تمام فعالیت‌های غیرقانونی و در عین حال بسیار بی‌ثبات‌کننده‌اش محکوم کرده و پاسخگو سازد.

در نامـــه معـــاون نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل خاطرنشان شده است: با توجه به اظهارات تحریک‌آمیز اخیـــر مقامات رژیم اســـرائیل که در نقض فاحش ماده ۲ منشـــور سازمان ملل، تهدید به استفاده از زور کرده‌اند، لازم اســـت به ایـــن رژیم یـــادآوری شـــود که بایـــد منتظر عواقـــب تمام ماجراجویی‌ها و محاســـبات نادرست احتمالی خود باشـــد. ضمن هشـــدار نســـبت به چنین تهدیدهایی از سوی هر منبعی، جمهوری اسلامی ایران در اتخاذ هرگونه اقدام لازم برای حفاظت کامـــل از مردم خود، دفاع از حاکمیت خویش و تأمین منافع ملی خود تردید نخواهد کرد.

ارشـــادی تصریح کرده اســـت: ما همچنین در مورد تلاش‌های مشکوک اخیر برای ایجاد «حوادث» ساختگی دریایـــی در خلیج‌فـــارس و فراتـــر از آن هشـــدار می‌دهیـــم. چنین اعمال غیرمســـئولانه‌ای برای امنیت و ثبات منطقه زیان بار بـــوده و باید بلافاصله متوقف شود.

حمله به نفتکش مرسر استریت نتیجه منطقی رفتار اسرائیل بود

یک روزنامه چاپ روســـیه معتقد اســـت حمله به نفتکش اسرائیل در دریای عمان، نتیجه منطقی رفتار اسرائیل است.

نزاویسمایا گازتا در یادداشتی نوشت: حمله به نفتکش مرسر استریت اسرائیل در ســـواحل دریای عمان، موضوع اصلی در گفت‌وگوی تلفنی وزرای امور خارجه ایالات متحده آمریکا و اسرائیل بود. اسرائیل نیروهای ایرانی را مسئول وقوع این رویداد می‌داند که طی آن، دو نفر از خدمه این کشتی کشته شدند.

بـــه گزارش برخی منابع، در جریان این حمله، از پهپادهای ایرانی اســـتفاده شده است. محل وقوع این رویداد باعث شد تا سخنانی در خصوص دست داشتن نیروهای ایرانی در این حمله ایراد شد: کشتی مرسر استریت در دریای عرب و در ۲۸۰ کیلومتری از سواحل دریای عمان مورد حمله قرار گرفته است.

این ماجرا باعث شـــد تا بنی گانتز و آویو کوهـــاوی در خصوص این موضوع گفت‌وگو کنند. مقامات رسمی اسرائیل می‌گویند رویداد دریای عرب تلاش ایران، آزمایش قدرت کابینه جدید در اسرائیل بوده است.

در ماه مارس نشریه «وال استریت ژورنال» خبر داد که دو سال است، سرویس اطلاعاتی اسرائیل دست به حملات خرابکارانه علیه نفتکش‌های ایرانی می‌زند تا تهـــران را از امکان صادرات نفت بـــه متحدانش محروم کند. طی این مدت، چند نفتکش ایرانی مورد حمله قرار گرفته‌اند. در چنین شرایطی، حمله کشتی مرسر استریت، نتیجه منطقی این رفتار اسرائیل بوده است.

افزون بر آن، برخی رســـانه‌ها خاطرنشان می‌کنند که حمله در دریای عرب، پاسخ به حمله هوایی اخیر اسرائیل به سوریه بوده که طی آن، یکی از فرماندهان حزب‌الله کشته شده است.

با ساخت یک میلیون خانه در سال ۱۰۰ شغل رونق می‌گیرد

در حالی که دولت روحانی بدترین کارنامه را در زمینه تولید مسکن بر جای گذاشـــت و تورم ۷۰۰ درصدی را موجب شد، روزنامه ایران می‌گوید ظرفیت‌های ساخت یک میلیون واحد مسکونی در سال وجود دارد.

این روزنامه دولتی، از قول پارسا گوهری «رئیس کمیسیون مسکن و خدمات مهندسی اتاق ایران» نوشت: مهم‌ترین مشکل بازار مسکن در حال حاضر انباشت تقاضا است. حداقل ۵ میلیون نفر متقاضی مسکن داریم که دولت باید ساخت این تعداد مسکن را با اقدامات حمایتی انجام دهد. بخش زیادی از هزینه خانوار صرف خرید یا اجاره بهای مسکن می‌شود. میان درآمد خانوار و هزینه مسکن تعادل برقرار نیســـت. یکی از متغیرهای مهم در بازار مسکن برقرار کردن تعادل میان درآمد و هزینه خانوار برای تأمین مسکن است.

ساخت مسکن باید به عنوان صنعتی اشتغالزا در نظر گرفته شود. با توجه به شعار اشتغالزایی دولت جدید، اگر صنعت ساخت و ساز رونق بگیرد، بیش از ۱۰۰ حرفه به صورت مستقیم و بسیاری مشاغل به صورت غیرمستقیم رونق خواهد گرفت.

ظرفیت ساخت تا یک میلیون مسکن چه در حوزه مهندسی و چه در بخش تولید و تأمین مصالح ســـاختمانی در کشور وجود دارد. ما در حال حاضر با وجود تحریم، صادرکننده سیمان و میلگرد هستیم. یعنی ظرفیت بالایی در تأمین و تولید مواد اولیه ساخت مسکن داریم. شاخص‌ها نشان می‌دهد در دولت آینده می‌توانیم در ساخت مسکن جهش ایجاد کنیم. البته جهش در تولید مسکن الزاماتی دارد که این الزامات تولید مسکن در دولت کنونی را هم با مشکل مواجه کرد. مهم‌ترین الزام تولید مســـکن، تأمین زمین رایگان یا ارزان اســـت. در قانون پیش‌بینی شده بود دستگاه‌های دولتی زمین مازاد در اختیار را برای ساخت مسکن به وزارت راه و شهرسازی واگذار کنند اما همکاری دستگاه‌ها با وزارت راه و شهرسازی در این خصوص تقریباً صفر بود.

الزام دیگر برای تولید مسکن تأمین منابع مالی ساخت مسکن است. کمبود منابع از مهم‌ترین موانع ساخت و تولید مسکن در دولت کنونی بود و دولت آینده هم با این معضل مواجه است. مثلاً برای ساخت ۴۰۰ هزار واحد در طرح مسکن ملی نهادهای پژوهشی آن را تورم‌زا دانستند و شورای نگهبان هم نسبت به مشخص نبودن سرفصل تأمین منابع، به طرح ایراد گرفت.

برای تأمین منابع، بانک‌ها باید همکاری کنند. بانک‌ها باید بخشی از منابع خود را برای ساخت مسکن تخصیص دهند. بانک مسکن به عنوان تنها بانک تخصصی حوزه مسکن فقط ۲۰ درصد تسهیلات این بانک را برای ساخت مسکن پرداخت کرده است و بانک‌های دیگر هم حدود ۳ تا ۴ درصد منابع را به بخش مسکن داده‌اند.

برای ســـاخت مسکن این دو شـــرط را نیاز داریم. آورده متقاضی در ساخت مســـکن ۲۰ تا ۳۰ درصد اســـت بقیه آورده باید از دستگاه‌های دیگر تأمین شود. به عنوان مثال، اتاق تعاون تعهد ســـاخت ۲۰۰ هزار مسکن برای کارگران را دارد و ۸۲ هزار کارگر تاکنون آورده خود را آماده کرده‌اند اما تأمین زمین و تسهیلات بانکی آماده نیست. ساماندهی متقاضیان و دریافت آورده آنان در زمان کمی انجام می‌شود اما به خاطر فراهم نشدن زمین و تسهیلات، ساخت مسکن برای گروه‌های هدف انجام نمی‌شود.

راهکاری که می‌تواند تا حدودی مشکلات ساخت و عرضه مسکن را کم کند، ساخت و ساز براساس مدل‌های مشارکتی است. اگر سیاست ساخت مسکن را به دولت گره بزنیم، موفق نخواهیم بود. سیاســـت‌ها در ســـاخت و ساز باید به مردم، تعاونی‌ها و بخش خصوصی گره زده شود. باید پول‌های سرگردان برای سرمایه‌گذاری در حوزه ساخت مسکن جذب شود اما متأسفانه چارچوب آن مشخص نیست.

زمین باید در پروژه‌های ملی تأمین شـــود. دولت آینده حداقل در ســـال اول این مشکلات را در حوزه مسکن دارد. مگر اینکه تمام ذینفعان برای مشارکت در ساخت مسکن دعوت شوند.

هزینه خانوارها در دولت روحانی چند درصد افزایش یافت؟

هزینه خانوارها در دولت دوم روحانی، ۸۷ درصد و هزینه مسکن خانوارها در دوره روحانی ۲۴۰ درصد افزایش داشته است.

این خبر را روزنامه وطن امروز به نقل از گزارش مرکز آمار منتشر کرده و افزود: متوسط هزینه کل خالص سالانه یک خانوار شهری در سال گذشته، ۶۲۱/۳۹۲ هزار ریال بوده است که نسبت به رقم مشابه سال قبل ۳۱ درصد افزایش نشان می‌دهد.

از هزینه کل ســـالانه خانوار شـــهری ۱۶۱/۰۹۴ هزار ریال با سهم ۲۶ درصد مربوط به هزینه‌های خوراکی و دخانی و ۴۶۰/۲۹۸ هزار ریال با سهم ۷۴ درصد مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بوده است. در بین هزینه‌های خوراکی بیشترین سهم مربوط به هزینه آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن و گوشت هر کدام با ســـهم ۲۱ درصد و در بین هزینه‌های غیرخوراکی بیشترین سهم با ۵۰ درصد مربوط به هزینه مسکن، سوخت و روشنایی بوده است.

همچنیـــن متوســـط هزینـــه کل خالص ســـالانه یـــک خانوار روســـتایی ۳۴۰/۶۷۹ هزار ریال بوده اســـت که نســـبت به ســـال قبل ۳۰/۵ درصد افزایش نشـــان می‌دهد. از هزینه کل سالانه خانوار روستایی ۱۳۶/۴۴۲ هزار ریال با سهم ۴۰ درصـــد مربـــوط به هزینه‌هـــای خوراکـــی و ۲۰۴/۲۳۷ هزار ریال با ســـهم ۶۰ درصد مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بوده است. در بین هزینه‌های خوراکی و دخانی، بیشترین سهم مربوط به هزینه آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن با ۲۵ درصد و در بین هزینه‌های غیرخوراکی، بیشترین سهم با ۳۲ درصد مربوط به مسکن، سوخت و روشنایی بوده است.

وطن امروز با بیان این که هزینه خانوار شهری در ۴ سال گذشته ۸۷ درصد زیاد شد، می‌نویسد: اقلام مختلفی همچون مسکن، بهداشت، حمل و نقل، خوراکی، پوشاک و تفریحات در سبد هزینه خانوار وجود دارد. خانوارهای کشور سال گذشته بیشـــترین هزینه را در بخش مسکن، سوخت و روشنایی داشته‌اند به این صورت که ۳۷ درصد هزینه مربوط به این بخش اســـت. سال ۹۲ سهم مسکن در هزینه خانوارهای شهری نزدیک به ۴۵ درصد هزینه‌های غیرخوراکی را به خود اختصاص داد که عددی بالغ بر ۶ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان بود، در حالی که این سهم در سال ۹۹ به ۵۰ درصد و مبلغ ۲۳ میلیون تومان رسیده است.

دولتِ خزانه خالی و کسری بودجه چگونه دست و دل باز شد؟!

یـــک روزنامه اقتصادی حامـــی اصلاح‌طلب تصریح کـــرد: نتیجه رفتارهای رنگ و لعاب‌دار دولت روحانی در هفته‌های آخر و در زمینه افزایش حقوق‌ها، تورم در ماه‌های آینده است و دولت روحانی در حالی این افزایش‌ها را تعبیه کرده که خود اذعان داشته خزانه خالی است بلکه با کسری بودجه مواجه است!

دنیای اقتصاد نوشت: درباره مسئله افزایش حقوق‌ها، ادله بسیاری وجود دارد که انجام این سیاســـت‌ها به این شـــکل و در این شرایط به صلاح ملک و مملکت نیست و لازم است هر چه سریع‌تر تصمیم‌گیران و دلسوزان واقعی این سونامی را متوقف کنند. دلیل اول و کافی برای هر فرد دلسوز، عاقل و صاحب خرد این است که خزانه خالی است! حتی بدتر، خزانه خالی کلی بدهی هم دارد که ظرف چند ماه دیگر باید بازپرداخت کند، لذا تا همین جای متن کافی است!

متاسفانه نظام دولتی سال‌ها به غلط حقوق کارمندان متعدد و متنوع خود را کنترل می‌کرده و این روزها تلاش در همسان‌سازی دارد.

دولت به واســـطه دسترســـی به منابع به ظاهـــر بی‌حدوحصر بانک مرکزی، می‌توانـــد هرقدر که بخواهد حقوق کارمندان خودش را افزایش دهد، ولی بخش خصوصی چطور؟ مجلس و دولت محترم آیا به این فکر کرده‌اند که وقتی حقوق کارمندان دولت را افزایش دهند، بخش خصوصی چطور می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد؟ شـــنیده‌ها حاکی از آن است که در فصل بهار، دولت مستقر ۵۳ هزار میلیارد تومان از صندوق تنخواه بانک مرکزی استفاده کرده است. سالی که نکوست از بهارش پیداست!

پس معلوم اســـت که تصمیم بر این است که هزینه‌های این قبیل طرح‌ها از جیب همه مردم و با رنگ و لعاب تورم تامین شود. نتیجه این سیاست‌ها تورم‌هایی است که در چندماه آینده شاهدش خواهیم بود.

خبر ویژه

سیاست‌های همسان‌سازی و افزایش حقوق باعث انتفاع تنها بخشی از مردم، که عموماً زندگی متوســـط به بالایی دارند، می‌شـــوند. ولـــی از تورم همه جامعه متضرر می‌شـــود و بارها نشـــان داده شده که قشر مستضعف، بیشترین ضرر را از این پدیده شوم می‌بینند.

سازندگی: تورم سنگین میراث بی‌انضباطی مالی دولت است

ارگان رسمی حزب کارگزاران، «تورم سنگین» را از میراث‌های دولت روحانی توصیف کرد.

روزنامه سازندگی در گزارشی نوشت: اغلب کارشناسان و اقتصاددانان افزایش حجم نقدینگی را دلیل تورم می‌دانند و در شرایط کنترل تورم باز هم از قفل شدن نقدینگی صحبت می‌کنند. بررسی آمار بانک مرکزی از میزان رشد نقدینگی حاکی از آن است که بیشترین رشد نقدینگی در سال ۹۹ به ثبت رسید.

مسعود خوانساری، رئیس اتاق بازرگانی تهران ضمن ارائه مستنداتی از بانک مرکزی مبنی بر دو برابر شـــدن میزان نقدینگی نسبت به دو سال پیش، هشدار جدی نسبت به آینده اقتصاد و معیشت مردم داد.

به گفته وی میزان نقدینگی از ۳۷۰۰ هزار میلیارد عبور کرده و نسبت به دو سال پیش ۲ برابر شده است. اگرچه طی ماه‌های گذشته نسبت به عواقب افزایش نقدینگی بر اقتصاد و تورم هشـــدار داده شـــده است. با این روند در ماه‌های آینده دولت با تورمی روبه‌رو خواهد شد که هیچ‌گاه در کشور تجربه نشده است.

از جمله دلایل این افزایش‌های بی‌حد و حصر نقدینگی می‌توان به بالا رفتن توان خلق نقدینگی توسط بانک‌ها، افزایش بدهی‌های بانک‌های دولتی و بدهی بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی و افزایش بدهی دولت به سیستم بانکی اشاره کرد.

برای پی بردن به دلایل افزایش نقدینگی و راهکارهای حل آن نباید جای دوری برویم. پیشنهادهای بانک جهانی برای کنترل نقدینگی، استقلال بانک مرکزی و خروج آن از ســـایه دولت و اصلاح نهاد و شـــیوه بودجه‌ریزی است که سال‌هاست مورد توجه کارشناسان قرار دارد. عدم اجرای این‌گونه سیاست‌های انضباطی باعث شد نظاره‌گر افزایش تورم باشیم.

روند کاهش سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در دولت روحانی

گزارش‌های رسمی مراکز دولتی نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در دولت روحانی ۲۱ درصد کمتر از دولت قبل از خود و خالص اشـــتغال ایجاد شـــده نیز در دولت روحانی به نسبت قبل از آن کاهش یافته است.

بر اســـاس آمار بانک مرکزی، مجموع تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در دوره دولت‌های نهم و دهم در کشـــور به قیمت ثابت ســـال ۱۳۹۰ حدود ۱۱۷۳ هزار میلیارد تومان بوده است. این در حالی است که در هشت سال دولت روحانی مجموع تشـــکیل سرمایه ثابت ناخالص در کشـــور به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ حدود ۹۲۳ هـــزار میلیارد تومان بوده که ۲۱ درصد کمتر از عملکرد دولت احمدی‌نژاد اســـت؛ به عبارت دیگر دولت روحانـــی مجموعاً ۲۵۰ هزار میلیارد تومان کمتر از دولت احمدی‌نژاد، در اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری کرده است.

بر اساس آمار بانک مرکزی، میزان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال پایانی دولت احمدی‌نژاد نسبت به سال پایانی دولت خاتمی ۱۶/۴ درصد بیشتر بوده است.

این در حالی اســـت که در دولت روحانی شـــاهد افول این شاخص بودیم به طوری که در سال پایانی دولت روحانی نسبت به سال پایانی دولت دهم، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص با رشد منفی ۲۸ درصد مواجه شد.

به گزارش مشرق، تشکیل سرمایه